

سخنرانی مریم رجوی در اجلاسی با شرکت پارلمانترهای اروپایی: فراخوان بین‌المللی برای آزادی زندانیان قیام ۲۰ بهمن ۱۳۹۶

روز جمعه، ۲۰ بهمن ۹۶، مریم رجوی در اجلاسی با شرکت شماری از نمایندگان پارلمان‌های اروپایی، برگزار شد، سخنرانی کرد.

در این اجلاس که با عنوان «فراخوان بین‌المللی برای آزادی زندانیان قیام» برگزار شد، نمایندگان از پارلمان‌های انگلستان، ایرلند، ایتالیا، مالت، لیتوانی، سوییس، رومانی و لهستان شرکت داشتند و سخنرانی کردند.

مریم رجوی در سخنانش خطاب به نمایندگان و شخصیت‌های شرکت‌کننده گفت:
نمایندگان محترم،

حضر گرامی،

به خانه مقاومت ایران خوش آمدید. از دیدار شما در این‌جا و فرصت بحث و گفتگو در مورد شرایط متحول ایران بسیار خوشوقتیم. شرایط در ایران، بسیار متحول است و مایلم امروز به ۴ موضوع بپردازم. بعد خوشحال می‌شوم که نظرات شما را بشنوم.

این ۴ موضوع عبارتند از:

قیام یک نقطه عطف در تحولات ایران،

ارزیابی وضعیت رژیم برای مقابله با قیام،

نقش مقاومت در تحولات ایران و تضمین ثبات و صلح و امنیت

و بالاخره سیاست صحیح اروپا در قبال ایران.

ما می‌گوییم قیام یک نقطه عطف است، یعنی دیگر وضعیت به گذشته بر نمی‌گردد. آنچه از هفت دی‌ماه، در ایران اتفاق افتاد، فراتر از تظاهرات اعتراضی مردم علیه مشکلات اقتصادی، یک جنبش سراسری علیه تمامیت رژیم آخوندی بود. این قیام از چند ویژگی برخوردار بود:

اولین ویژگی، گستردگی و سرعت بالای گسترش تظاهرات بود. به‌طوری که در عرض چند روز به ۱۴۲ شهر کشیده شد.

دوم: مبنای این اعتراضات، شکست کامل رژیم آخوندی از حل ابتدایی‌ترین مسائل جامعه بود از جمله: معضل بیکاری،

گرانی و همزمان سرکوب اجتماعی و سیاسی. واقعیت این است که: فساد مالی، سیاسی و قضایی سرپای رژیم را فرا

گرفته است. سیاست مداخله جویانه رژیم در منطقه به بن بست رسیده و منابع رژیم را بشدت تحلیل برده، و بازتاب‌های منفی داخلی آن بارز شده است.

نکته مهم این‌که این علل بنیادین نه تنها هم‌چنان به‌قوت خود باقیست، بلکه شدیدتر هم شده و رژیم قدرت حل آن را ندارد.

تنها با تغییرات جدی سیاسی می‌توان به مقابله با این بحران‌ها پرداخت. چیزی که این رژیم، به هیچ‌وجه قادر به انجام آن نیست.

سوم: هسته مرکزی تشکیل‌دهنده اعتراضات، زنان و هم‌چنین اقشاری هستند که رژیم مدعی بود، و در غرب هم تصور می‌شد، که پایگاه اجتماعی رژیم را تشکیل می‌دهند. یعنی همان طبقات محروم جامعه که از ستم رژیم به‌جان آمده‌اند. هم محرومان و هم زنان، تحت چنان سرکوب و ستم و تبعیضی هستند که چیزی برای از دست دادن ندارند و آماده پرداخت بها و مقابله با رژیم هستند.

فیلم‌هایی که از تظاهرات پخش شده، نشان می‌دهد که در بسیاری از صحنه‌ها زنان جلودار قیام‌اند. هم‌چنین، هفته گذشته، معاون فرمانده سپاه پاسداران تصریح کرد که زنان به‌ویژه زنان مجاهد در بسیاری از شهرها قیام را رهبری می‌کردند.

واقعیت این است که زنان در ۳۹ سال حکومت آخوندها، هدف بیشترین فشارها بوده و هستند. حجاب اجباری و سرکوب و تحقیر به بهانه حجاب، از مهمترین دستاویزهای رژیم برای اعمال خفقان در جامعه است. در حالی سازمان مجاهدین از روز اول تاکید کرده؛ دین اجباری و اجبارات دینی و حجاب اجباری در تعارض آشکار، با تعالیم اسلام اصیل است. نظرسنجی‌های حکومتی در سال‌های گذشته که در روزهای اخیر فاش شده، نشان می‌دهد که اکثریت عظیم زنان ایران، با حجاب اجباری مخالفند. این، مبین خشم و نفرت زنان از رژیم آخوندی است. در واقع زنان، یک نیروی انفجاری و یک پتانسیل قدرتمند برای قیام و سرنگونی این رژیم هستند.

چهارم این‌که در این قیام، شعارهای معترضان، تمامیت رژیم را هدف قرار می‌داد. «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر روحانی» و این‌که «اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، دیگه تمومه ماجرا».

پنجمین ویژگی مهم این اعتراضات، عنصر سازمانیافتگی آن است. گسترش تظاهرات به ۱۴۲ شهر با شعارهای یکسان و مشابه یک امر اتفاقی نبود و نمی‌توانست باشد. شعارهای مردم، همان خواست‌هایی بود که از سالها قبل، مقاومت ایران برای آن مبارزه می‌کند. خامنه‌ای ولی‌فقیه رژیم، رسماً گفت که مجاهدین این اعتراضات را سازمان داده‌اند و از چند ماه قبل طراحی کرده بودند.

روحانی به رئیس‌جمهور فرانسه زنگ زد و گفت مجاهدین پشت اتفاقات اخیر در ایران هستند و خواستار محدود کردن فعالیت‌های مقاومت شد. معاون فرمانده سپاه نیز گفته بود که سرحلقه اغتشاشات مجاهدین بوده‌اند.

ما معتقدیم که قیام با هر افت و خیزی، ادامه خواهد یافت. البته رژیم همان طور که تاکنون عمل کرده، ماکزیمم تلاش را خواهد کرد که اعتراضات را سرکوب کند. تا کنون ۵۰ نفر کشته شده اند که دست کم ۱۲ تن از آنان، زیر شکنجه به شهادت رسیده‌اند و بیش از ۸۰۰۰ نفر دستگیر شده‌اند. چند روز قبل، یک نماینده مجلس رژیم به نقل از رئیس زندانها، ثبت دستگیری ۴۹۷۲ نفر را تایید کرد. تایید این امر توسط رژیم نشان می‌دهد که رقم واقعی بسیار بیش از ۸۰۰۰ نفر است.

با این وجود، این رژیم قدرت توقف اعتراضات را ندارد. البته اعتراضات فرازو نشیب خواهد داشت ولی متوقف نخواهد شد. همان طور که مشاهده کردید بعد از دو هفته نسبتاً آرام، مجدداً در روزهای ۱۱ و ۱۲ بهمن، شهرهای مختلف ایران شاهد اعتراضاتی با همان شعارهای نفی تمامیت رژیم بود. در همین حال حرکت‌های اعتراضی کارگران، زحمتکشان و غارت‌شدگان همه روزه به چشم می‌خورد.

دوستان عزیز،

رژیم ایران در موقعیت بسیار ضعیف‌تری از همیشه قرار دارد. حتی در درون سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان بسیج که رژیم برای بقا به آنها اتکا دارد، نشانه‌های نگرانی و وحشت مشاهده می‌شود.

در جریان قیام عده‌یی از اعضای بسیج، با سوزاندن کارت‌های عضویت خود در بسیج، به معترضین پیوستند.

برخی از افرادی که در جریان اعتراضات، توسط نیروهای رژیم کشته شدند، از خانواده‌های بسیجی‌ها بودند. حتی توان رژیم برای اعزام نفرائش از سپاه به سوریه، به شدت کاهش یافته و به همین دلیل اساساً متکی به نیروهای مزدور غیر ایرانی است.

در یک کلام، عواملی که منجر به قیام شد، هم‌چنان به قوت خود باقیست و تشدید هم شده است.

دیوار ترس ترک برداشته است، و هیچ چیز از جمله دستگیری و کشتار و شکنجه نمی‌تواند مانع پیشروی قیام و سرنگونی رژیم شود. رژیم آخوندی محکوم به سرنگونی است و مقاومت ایران، تضمین یک ایران آزاد و ثبات و آرامش در منطقه است.

من به اعتراف سران رژیم در باره نقش مجاهدین در قیام اشاره کردم، اما نقش مقاومت بسیار عمیق‌تر است. واقعیت این است که در ایران، یک آلترناتیو دموکراتیک با پایگاه مردمی، و با توانمندی ایجاد تغییر و طرح‌ها و ساختارهای مشخص برای ایران آینده، وجود دارد و به همین دلیل رژیم از آن به شدت وحشت دارد.

رژیم و لابی‌های آن تلاش می‌کنند مردم و جامعه بین‌المللی را از تکرار سناریوی سوریه و به راه افتادن جنگ داخلی در ایران بترسانند تا بدینوسیله به بقای رژیم کمک کنند. ولی واقعیت این است که وجود همین آلترناتیو قدرتمند و ریشه‌دار، تضمین‌کننده یک ایران متحد و یکپارچه است.

رژیم آخوندی و لابی‌هایش، با دجالگری این حقیقت را پنهان می‌کنند که عامل اصلی بحران و کشتار در سوریه رژیم آخوندی است و با بالا گرفتن قیام در ایران و سرنگونی آخوندها، نه تنها ایران مانند سوریه نمی‌شود، بلکه بحران در سوریه و عراق و دیگر کشورهای منطقه جای خود را به صلح و آرامش و دموکراسی می‌دهد. ما خواهان یک ایران آزاد و دموکراتیک، جدایی دین از دولت، حقوق برابر برای همه ملیت‌ها و حق خودمختاری برای آنان در چارچوب تمامیت ارضی ایران، برابری جنسیتی و لغو حجاب اجباری و همه قوانین قرون وسطایی علیه زنان هستیم.

و بالاخره سوال این است که سیاست درست برای اروپا چیست؟
من روز ۲۴ ژانویه در شورای اروپا در استراسبورگ، شورای اروپا و اتحادیه اروپا و کشورهای عضو را به اتخاذ تدابیر مؤثر و تصمیمات لازم‌الاجرا به منظور وادار کردن فاشیسم دینی حاکم به آزادی زندانیان قیام، آزادی بیان و اجتماعات و پایان دادن به سرکوب زنان و لغو حجاب اجباری فراخواندم.
هرگونه رابطه با این رژیم باید به توقف اعدام و سرکوب منوط شود. از مراودات اقتصادی با رژیم ایران، تنها ولایت فقیه و سپاه پاسداران سود می‌برند که آن را صرف سرکوب بیشتر مردم و جنگ‌افروزی در منطقه می‌کنند.

بی‌ثبات سازی منطقه، مطابق تجربه سال‌های اخیر، اروپا را هم با حملات تروریستی تحت فشار می‌گذارد.
حرف ما این است که ۳۹ سال خونریزی و جنایت، تبعیض و سرکوب علیه زنان و خفقان و سانسور کافی است. اروپا باید به سکوت و بی‌عملی خود پایان دهد و صف خود را از رژیم آخوندها جدا کند.
این رژیم، آینده‌یی ندارد و مماشات با آن، بهای رسیدن به آزادی را برای مردم ایران سنگین‌تر و جنگ و بحران در منطقه را طولانی‌تر می‌کند. البته نمی‌تواند مانع سرنگونی رژیم به‌دست مردم شود؛ همان‌گونه که حمایت همه‌جانبه آمریکا و کشورهای غربی تا آخرین ماه‌های حکومت شاه، نتوانست از سرنگونی آن جلوگیری کند.
از همه شما متشکرم.